



International Obligations of Greenhouse Gas Emission States from the Perspective of the Convention on the Law of the Sea 1982

Homayon Habibi

<https://orcid.org/0000-0001-9886-0540>

Associate Professor, Public International Law, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Hajar Raei Dehaghi*

<https://orcid.org/0000-0002-4118-2416>

PhD, Public International Law, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Abstract

Today, climate change has become concern of the international community, and there has been considerable solidarity to confront it. However, the Climate Change Convention, the Kyoto Protocol and the Paris Agreement have failed to prevent climate change and reduce greenhouse gas emissions, and countries have shown no serious will to achieve climate change targets. On the other hand, increasing greenhouse gas emissions have seriously damaged the environment of the oceans, which naturally absorb these gases. This justifies Review of the obligations of the CO₂ states in terms of the Convention on the Law of the Sea. This paper, by interpreting of Article 1(4) of Convention, concludes that greenhouse gas emissions are subject to the definition of marine environmental pollution and consequently states parties to the Convention have numerous obligations under the XII part of the Convention to protect the marine environment against greenhouse gas emissions. The provisions of Part XIII of the Convention are also a way of proving these obligations. Also, by proving that many of the environmental obligations in the Convention have been or have become customary, one can speak of the responsibility and commitment of non-member states to reduce and even compensate the affected coastal states.

Keywords: Climate Change, Convention on the Law of the Sea 1982, Greenhouse Gases, Pollution of the Marine Environment, Protecting the Marine Environment.

* Corresponding Author: h_raei@yahoo.com

How to Cite: Habibi, H., Raei Dehaghi, H. (2021). International Obligations of Greenhouse Gas Emission States from the Perspective of the Convention on the Law of the Sea 1982. *Public Law Research*, 23(72), 39-69, doi: 10.22054/qjpl.2021.49411.2312.

تعهدات بین‌المللی کشورهای منتشرکننده گازهای گلخانه‌ای از منظر کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها

همایون حبیبی

دانشیار حقوق بین‌الملل عمومی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

<https://orcid.org/0000-0001-9886-0540>

هاجر راعی دهقی *

دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل عمومی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

<https://orcid.org/0000-0002-4118-2416>

چکیده

امروزه تغییرات اقلیمی به مسئله و نگرانی جامعه بین‌المللی تبدیل شده و همبستگی قابل توجهی برای رویارویی با آن بوجود آمده است. با این حال کنوانسیون تغییرات اقلیمی، پروتکل کیوتو و موافقت‌نامه اقلیم پاریس در جلوگیری از تغییرات اقلیمی و کاهش گازهای گلخانه‌ای موفق عمل نکرده‌اند و کشورها نیز اراده‌ای جدی برای دستیابی به اهداف اسناد اقلیمی نشان نداده‌اند. از طرفی افزایش تولید گازهای گلخانه‌ای به محیط زیست اقیانوس‌ها که به طور طبیعی جاذب این گازها هستند، آسیب جدی وارد کرده است. همین امر واکاوی تعهدات کشورهای منتشرکننده گازهای گلخانه‌ای از منظر کنوانسیون حقوق دریاها را توجیه می‌کند. این نوشتار با تفسیر بند ۴ ماده یک کنوانسیون، به این نتیجه می‌رسد که انتشار گازهای گلخانه‌ای مشمول تعریف آلودگی محیط زیست دریاست و در نتیجه کشورهای عضو به موجب بخش دوازدهم، تعهدات بیشماری برای حفاظت از محیط زیست دریا در مقابل انتشار گازهای گلخانه‌ای دارند. در عین حال، مقررات بخش سیزدهم کنوانسیون نیز راهکاری برای اثبات وجود این تعهدات است. همچنین با اثبات این امر که بسیاری از تعهدات زیست‌محیطی مندرج در کنوانسیون، عرف بوده‌اند یا به عرف تبدیل شده‌اند؛ می‌توان از مسئولیت و تعهد کشورهای غیرعضو منتشرکننده گازهای گلخانه‌ای نسبت به کاهش انتشار و جبران خسارت کشورهای ساحلی تحت تأثیر صحبت کرد.

واژگان کلیدی: تغییرات اقلیمی، کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، گازهای گلخانه‌ای، آلودگی محیط زیست دریا، حمایت از محیط زیست دریا.

* نویسنده مسئول: h_raee@yahoo.com

مقدمه

تصویب کنوانسیون تغییرات اقلیمی ۱۹۹۲^۱ و پروتکل کیوتو ۱۹۹۷^۲ از بزرگ‌ترین موفقیت‌ها در زمینه مسائل زیست‌محیطی است. با این حال تصویب اینگونه اسناد فقط اولین مرحله اقدامات محسوب می‌شود و آنچه مهم است اجرای آنهاست. طبیعی است که موانعی در راه عملی کردن معاهدات و پروتکل‌ها وجود داشته باشد و کنوانسیون تغییرات اقلیمی و پروتکل کیوتو نیز از این امر مستثنی نیست. موانع اجرا در مورد این اسناد دو نوعند: مشکلات مربوط به خود کنوانسیون و پروتکل و مشکلات مربوط به اعضا.^۳ اگرچه موافقت‌نامه اقلیمی پاریس^۴ تلاش بیشتری برای متعهد کردن دولت‌ها برای کاهش، جلوگیری و کنترل انتشار گازهای گلخانه‌ای کرده است،^۵ اما در متن این موافقت‌نامه ضمانت اجرایی برای ایفای تعهدات در نظر گرفته نشده و به صراحت بر غیرتنبیهی بودن مکانیزم مندرج در کنوانسیون تأکید شده است.^۶

در نقطه مقابل، کنوانسیون حقوق دریاها ضمانت اجراهای قوی‌تری دارد و به اعتقاد نویسندگان این مقاله، مقررات آن برای متعهد نمودن کشورهای عضو به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای قابل استفاده است. ولی برای چنین استفاده‌ای از کنوانسیون حقوق دریاهای سازمان ملل، ابتدا باید از طریق تفسیر این کنوانسیون، جایگاهی برای مقررات ناظر به تغییرات اقلیمی در این کنوانسیون یافت.

قبل از آن باید یک ایراد مقدر را نیز دفع کرد و آن ایراد غیرتخصصی و عام بودن کنوانسیون مونته‌گوبه است. از آنجا که کنوانسیون تغییرات اقلیمی نسبت به کنوانسیون

1. United Nations Framework Convention on Climate Change, (1992).

2. Kyoto Protocol to the United Nations Framework Convention on Climate Change, (1977).

۳. فریده عتابی و همکاران، «بررسی تعهدات و مقررات کنوانسیون تغییرات آب و هوا و ارزیابی نحوه اجرای آن در جمهوری اسلامی ایران»، علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره دوازدهم، شماره دوم، (۱۳۸۹)، ص ۱۴۵.

4. Paris Agreement, United Nations, (2015).

۵. ماده ۲ بند ۱ (الف) توافقنامه پاریس.

۶. ماده ۱۳ بند ۲ توافقنامه پاریس؛ برای توضیحات بیشتر در خصوص این مکانیزم غیرتنبیهی از جمله رک: مهدی پیری، «تأملی بر آثار حقوقی الحاق جمهوری اسلامی ایران به توافق‌نامه پاریس در خصوص تغییرات اقلیمی»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۸، شماره ۴، (۱۳۹۷)، ص ۹۴.

حقوق دریاها مؤخر است و قانون مؤخر بر قانون مقدم اولویت دارد، ممکن است تعارض احتمالی میان این دو کنوانسیون در زمینه تغییرات اقلیمی مطرح شود. با این حال تا جایی که این دو کنوانسیون در تعارض با یکدیگر نباشند، منعی در اجرای قانون عام یعنی کنوانسیون حقوق دریاها وجود ندارد. ممکن است استدلال شود که رژیم تغییرات اقلیمی نوعی قانون خاص است که از اجرای کنوانسیون حقوق دریاها در این زمینه جلوگیری می‌کند. با این حال در کنوانسیون تغییرات اقلیمی، بعنوان قانون خاص، شاهد مقرره‌ای نیستیم که از اجرای کنوانسیون حقوق دریاها و دیگر معاهدات بین‌المللی در زمینه تغییرات اقلیمی جلوگیری کند.^۱

شاید تصور شود که "حقوق اقلیمی" یک رژیم مستقل، همانند حقوق دیپلماتیک است که مانع از اجرای دیگر قواعد حقوق بین‌الملل در زمینه تغییرات اقلیمی می‌شود. اما باید گفت نه در کارهای مقدماتی توافقنامه پاریس و اسناد قبل از آن و نه در اقدامات بعدی دولت‌ها نشانه‌ای از چنین منعی وجود ندارد.^۲ لذا می‌توان از دیگر شاخه‌های حقوق بین‌الملل از جمله حقوق بین‌الملل دریاها به منظور مبارزه با آثار منفی تغییرات اقلیمی استفاده کرد.^۳ افزایش حجم اقیانوس‌ها و بالا آمدن آب دریاها فوری‌ترین، قطعی‌ترین و گسترده‌ترین اثرات قابل مشاهده گرمایش جهانی و تغییرات اقلیمی بر اقیانوس‌ها است که بر همه دولت‌ها اعم از غنی و ضعیف و ساحلی و غیرساحلی تاثیرگذار است^۴ و لازم است حقوق بین‌الملل دریاها به این آثار پاسخ حقوقی مناسب دهد. اما تخریب محیط زیست دریایی در نتیجه این تغییرات اقلیمی اثر مخرب دیگری است که باید به آن توجه کرد و کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها واجد تعهدات مشخص زیست‌محیطی در حوزه دریاهاست که می‌تواند برای جلوگیری از این فاجعه جهانی مورد استفاده قرار گیرد.

1. Roda Verheyen, *Climate Change Damage and International Law* (Leiden/Boston: Martinus Nijhoff, 2005) p. 139.

2. Ibid. at 139-143.

3. Andrew Strauss, "The Legal Option: The United States in International Forums for Global Warming Emissions", *The Environmental Law Reporter*, No. 33, (2003), p. 5.

4. Guifang (Julia) Xue, *Climate Change Challenges and the Law of the Sea Responses*, in *Climate Change: International Law and Global Governance Volume I: Legal Responses and Global Responsibility* (Baden: Nomos, 2013) p. 553.

۱. آلودگی محیط زیست دریا در کنوانسیون حقوق دریاها و شمول انتشار گازهای گلخانه‌ای

حمایت و حفاظت از محیط زیست دریا در میان اهداف کنوانسیون حقوق دریاها جایگاه برجسته‌ای دارد. در مقدمه کنوانسیون حقوق دریاها اهمیت ایجاد یک نظم حقوقی برای اقیانوس‌ها و حمایت و حفاظت از محیط زیست دریا شناخته شده است. با این حال توسل به کنوانسیون حقوق دریاها برای حل معضل تغییرات اقلیمی کار ساده‌ای نیست زیرا در متن کنوانسیون حقوق دریاها و یا مشروح مذاکرات آن، نشانه‌ای وجود ندارد که تغییرات اقلیمی مدنظر تهیه‌کنندگان کنوانسیون بوده است. بنابراین برای درک بهتر رابطه بین تغییرات اقلیمی و مقررات و تعهدات کنوانسیون حقوق دریاها، لازم است به تعریف و تفسیر آلودگی محیط زیست دریا در کنوانسیون حقوق دریاها و بررسی امکان شمول منشا این تغییرات اقلیمی یعنی گازهای گلخانه‌ای در این تعریف پرداخته شود.

۱-۱. تعریف آلودگی محیط زیست دریا

ماده ۱(۴) کنوانسیون، آلودگی محیط زیست دریا را این‌گونه تعریف می‌کند: «وارد کردن مواد و انرژی توسط بشر به طور مستقیم یا غیرمستقیم در محیط زیست دریا، شامل مصب رودخانه‌ها که منجر به و یا احتمالاً منجر به آثار زیان‌آوری نظیر ایراد خسارت به منابع زنده و حیات دریایی، زیان به سلامت و بهداشت بشری، وقفه در فعالیت‌های دریایی از جمله ماهیگیری و سایر استفاده‌های مشروع از دریا و لطمه به کیفیت آب مورد استفاده و کاهش مطلوبیت آن می‌گردد».^۱ این تعریف شامل دو قسمت است: قسمت اول مربوط به منشا و محل آلودگی است، در حالی که بخش دوم به اثراتی می‌پردازد که باعث می‌شود وارد کردن ماده یا انرژی به محیط دریایی مشمول تعریف آلودگی گردد.

در میان منابع آلوده‌کننده محیط زیست دریایی، دی‌اکسید کربن و انرژی گرمایی را به دلایل زیر می‌توان مشمول تعریف بند ۴ ماده ۱ دانست: در بخش دوازدهم کنوانسیون به آلودگی ناشی از پنج منبع اصلی یعنی آلودگی‌های ناشی از فعالیت‌های انجام شده در خشکی،^۲ بهره‌برداری از دریا،^۱ تخلیه زباله در دریا،^۳ حمل‌ونقل^۳ و آلودگی از طریق جو^۴

1. UNCLOS, Article 1(4).

2. Ibid. 194(3a) and 207.

که همگی مربوط به فعالیت‌های انسان است، اشاره شده است. کربن عنصر اصلی سازنده مواد آلی است که بین چهار منبع در سیاره ما در چرخش است: هوا (اتم‌سفر)، آب کره (هیدروسفر)، زمین کره (ژئوسفر) و زیست کره زمین (بیوسفر) و به این پدیده چرخه کربن می‌گویند. هنگامی که کربن به شکل گاز دی‌اکسید کربن در می‌آید در هوا رها شده و یا جذب آب‌های کره زمین می‌شود و در این میان اقیانوس‌ها مهم‌ترین منبع جذب کربن هستند بطوری که حدود ۵۰ درصد از دی‌اکسید کربن هوا را جذب می‌کنند.^۵ باید توجه داشت که فعالیت‌های بشری می‌تواند چرخه کربن را بهم بزند و بنابراین جذب کربن به وسیله اقیانوس‌ها به گونه‌ای افزایش یابد که باعث آلودگی این محیط گردد.^۶ در بخش دوازدهم کنوانسیون حقوق دریاها کشتیرانی بعنوان یکی از منابع آلودگی دریاها شناخته شده است. انرژی ناشی از انتشار دی‌اکسید کربن توسط کشتی‌ها نه تنها در فضای هوایی بلکه در اقیانوس‌ها نیز منتشر می‌شود. بنابراین می‌توان استدلال نمود آلودگی ناشی از انتشار گازهای گلخانه‌ای توسط کشتی‌ها نیز مشمول تعریف بند ۴ ماده ۱ کنوانسیون نیز می‌شود.^۷

شواهدی وجود دارد که درجه حرارت اقیانوس با افزایش دمای جو افزایش می‌یابد، این گرما (انرژی) اقیانوس‌ها را به طور غیرمستقیم تحت تاثیر قرار داده است. تعریف گروه مشترک کارشناسان، جنبه‌های علمی آلودگی دریاهای^۸ از آلودگی محیط زیست دریا، به صراحت به واژه انرژی اشاره نمی‌کند. اما همانطور که گزارش جلسه اول آن نشان می‌دهد، گرما بعنوان هدف این تعریف محسوب می‌شود. هر دو فرایند تابش و تبادل حرارت می‌توانند اثرات مخربی بر محیط زیست دریایی داشته باشند، لذا «انرژی» را به

1. Ibid. 194(3c), 208 and 209.

2. Ibid. 194(3a) and 210.

3. Ibid. 194(3b) and 211.

4. Ibid. 194(3a) and 212.

5. Roberto A. Cámara Stougaard-Andresen, *Climate change and the Law of the Sea Convention*, Master's Programme in Maritime Law, (2011), 37.

۶. برای مطالعه چرخه کربن و آلودگی اقیانوس در اثر دخالت انسان در آن از جمله رک:

Nsirik Benson, "Carbon Cycle", in G Philander (ed) *Encyclopedia of Global Warming and Climate Change* 2nd ed. (Sage Publications 2012) 192-193.

7. Ibid. paragraphs 117-120, 125-135, and 141-150.

8. FAO/UNESCO/WMO/ IAEA/UN Joint Group of Experts on the Scientific Aspects of Marine Pollution (GESAMP).

عنوان منبع آلودگی به شمار می‌آوردند. رشد بیش از حد پوشش گیاهی که مانع از ناپبری می‌شود؛ افزایش فرسایش کشتی‌ها و سازه‌های دریایی، تداخل در مهاجرت ماهی‌ها و افزایش فعالیت میکروبیولوژیک و کاهش اکسیژن نمونه‌هایی از این آثارند.^۱ از سوی دیگر کامل‌ترین تعریف ارائه شده از آلودگی دریایی توسط سازمان همکاری و اقتصادی توسعه در سال ۱۹۷۴ صورت گرفته است. برابر این تعریف، آلودگی عبارت است از: «داخل کردن مواد یا انرژی به طور مستقیم یا غیرمستقیم در محیط زیست بوسیله انسان که خطری برای سلامتی انسان و آثاری زیان‌بار برای منابع جاندار و اکوسیستم‌ها داشته باشد و به مطبوعیت آب صدمه وارد کند و برای استفاده‌های مشروع از محیط مانع ایجاد کند.» معیاری که در تعریف یاد شده ملاک قرار گرفته است، اصل مضر بودن عمل برای محیط است. این معیار محدود به خسارات آبی نشده و زیان‌های آبی را نیز دربر می‌گیرد. تعاریف یاد شده نشان دهنده این هستند که هدف حقوق بین‌الملل، جلوگیری از ریختن هرگونه ماده‌ای به دریاها نیست. زیرا بسیاری از مواد خطری ندارند و یا به سرعت بوسیله دریا بی‌خطر می‌شوند. هدف مقررات حدود کننده، متوجه به موادی است که دارای آثار مخرب هستند.^۲ با این تفاسیر دی‌اکسید کربن و انرژی گرمایی می‌تواند بعنوان یکی از منابع عمده آلودگی دریایی شناخته شوند.

عنصر دوم تعریف آلودگی مندرج در بند ۴ ماده ۱ کنوانسیون به آثار آلودگی بر محیط زیست دریا اشاره دارد. برای معرفی یک ماده یا انرژی بعنوان آلودگی، بررسی اینکه آن ماده یا انرژی منجر به آسیب به سلامتی انسان یا حیات دریایی می‌شود یا بر عملکرد و استفاده از دریا تاثیر می‌گذارد، ضروری است.^۳ آثار نامطلوب تغییرات اقلیمی از جمله گرمایش جهانی و بالا آمدن آب دریاها بر منابع زیستی دریایی، اکوسیستم دریایی و تنوع زیستی اقیانوس‌ها بی‌شمار است.^۴ در سال ۲۰۰۹، دبیرخانه کنوانسیون تنوع زیستی گزارشی راجع به اثرات اسیدی شدن اقیانوس‌ها بر تنوع زیستی دریایی منتشر ساخت که حاکی از آن است که تعریف آلودگی دریایی شامل آثار تغییرات اقلیمی نیز

1. Cámara Stougaard-Andresen op.cit. at 38.

۲. یدالله کریمی‌پور، عابد گل کرمی و سید محمد حسینی، «ژئوپلیتیک خلاهای حقوقی مبارزه با آلودگی دریاها»، مجلس و راهبرد شماره ۸۳، (۱۳۹۴)، صص ۱۸۲-۱۸۱.

3. UNCLOS Article 1(4).

4. Xue, op.cit. at 557.

می‌شود.^۱ زیرا بدهی است که تغییرات اقلیمی منجر به آثار زیانبار از جمله خسارت به منابع زنده و حیات دریایی، زیان به سلامت و بهداشت بشری، وقفه در فعالیت‌های دریایی از جمله ماهیگیری و سایر استفاده‌های مشروع از دریا و لطمه به کیفیت آب مورد استفاده و کاهش مطبوع بودن آن می‌شود.

یکی از مصادیق قابل توجه آثار تغییرات اقلیمی بر محیط زیست دریایی، تخریب صخره‌های مرجانی است. صخره‌های مرجانی پناهگاه بیش از ۲۵ درصد ماهی‌ها و دو میلیون گونه دریایی و محل زندگی بسیاری از موجودات دریایی جوان هستند. این صخره‌ها خدمات اکوسیستمی متعددی همانند کمک به بازیافت مواد مغذی، حفاظت از سواحل در برابر امواج و طوفان، خدمات پزشکی، اقتصادی و مقاصد توریستی را فراهم می‌کند. در حال حاضر صخره‌های مرجانی در اقیانوس آرام در آستانه تحمل حرارتی هستند. افزایش درجه حرارت و اسیدی شدن اقیانوس‌ها در بسیاری از نقاط جهان منجر به آسیب به صخره‌های مرجانی شده است. برای مثال تغییرات اقلیمی در اقیانوس آرام، اقیانوس هند، دریای سرخ و دریای کارائیب منجر به کاهش ۵۰ درصدی ماهیان به دلیل سفید شدن مرجان‌ها شده است.^۲

۱-۲. تفسیر آلودگی محیط زیست دریا

اکنون این پرسش مطرح می‌شود که آیا با استناد به بند ۴ ماده ۱ می‌توان کشورها را متعهد به کاهش موجبات تغییرات اقلیمی دانست. در این تعریف به تغییرات اقلیمی اشاره نشده است. با این وجود، کاملاً روشن است که ورود هر ماده یا انرژی تولید شده توسط فعالیت‌های انسان، چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیرمستقیم به محیط زیست دریا که منجر به اثرات زیانبار به منابع زنده و حیات دریایی و آلودگی محیط زیست دریا شود، موضوع ممنوعیت‌های مندرج در کنوانسیون حقوق دریاهاست. با این تعریف وسیع از آلودگی محیط زیست دریا، به نظر می‌رسد انتشار گازهای گلخانه‌ای تحت پوشش این رژیم قرار می‌گیرد.

1. Secretariat of the Convention on Biological Diversity, "Scientific Synthesis of the Impacts of Ocean Acidification on Marine Biodiversity", Technical Series, (2009), at 46- 60.

2. Ibid.

با تفسیر ایستا از عبارت آلودگی در بند ۴ ماده ۱ کنوانسیون و تمرکز بر صورت مذاکرات در زمان تهیه کنوانسیون، می‌توان استدلال کرد که تغییرات اقلیمی مدنظر مذاکره‌کنندگان کنوانسیون نبوده است. بنابراین واژه انرژی در تعریف آلودگی محیط زیست دریا شامل انتشار گازهای گلخانه‌ای نمی‌شود. چنین تفسیری به چند دلیل نامناسب است: اول آنکه این رویکرد، تفسیر محدودی از قصد دولت‌ها در آن زمان است. روشن است که هدف اصلی از تعریف آلودگی در این کنوانسیون ارائه طیف وسیعی از تهدیدات ممکن برای محیط زیست دریا است. هیچ نشانه‌ای وجود ندارد که دولت‌ها قصد محدود کردن تعریف به تهدیدات خاصی که در آن زمان به وضوح مشخص شده بود را داشته‌اند. دوم آنکه این رویکرد تفسیری، کنوانسیون را معاهده‌ای منجمد شده در زمان تصویب می‌بیند، حال آنکه معاهدات قانون‌ساز باید نقش سازنده‌ای در طول زمان داشته باشند و در پرتو اوضاع و احوال به گونه‌ای تفسیر شوند که اهداف این اسناد را برآورد.^۱ حذف تغییرات اقلیمی از این تعریف، منجر به تفسیر محدود از بند ۴ ماده ۱، مانع از اعمال نیت طرف‌ها و برخلاف قاعده عرفی تفسیر معاهدات مندرج در ماده ۳۱(۱) کنوانسیون حقوق معاهدات است که مطابق با آن، یک معاهده باید با حسن نیت مطابق با معنای عادی شرایط آن تفسیر شود.^۲ همچنین معاهده باید با توجه به دیگر قواعد حقوق بین‌الملل موجود بین طرف‌ها تفسیر شود.^۳ حذف تغییرات اقلیمی از این تعریف مغایر با موادی از کنوانسیون است که دولت‌ها را ملزم می‌کند از طریق تحقیقات علمی دریایی دست به جمع‌آوری اطلاعات مرتبط با آلودگی‌های محیط زیست دریایی زده و برای حفاظت و حمایت از این محیط تلاش کنند.^۴ زیرا به نظر غیر قابل قبول است که این تعهدات تنها شامل منابع خاصی از آلودگی باشد.

علاوه بر این، اگرچه ممکن است ملاحظات مربوط به "آثار تغییرات اقلیمی" در ذهن مذاکره‌کنندگان کنوانسیون نبوده باشد. اما از مذاکرات کارگروه مشترک کارشناسان در

1. Meinhard Doelle, "Climate Change and the Use of the Dispute Settlement Regime of the Law of the Sea Convention", *Ocean Development and International Law*, Volume 37, (2006), 7.

2. Vienna Convention on the Law of Treaties 1969, Article 31(1).

3. Ibid. Article 31(3) c.

4. UNCLOS, Articles 200 and 202.

خصوص جنبه‌های علمی آلودگی دریا،^۱ روشن است که تأثیر بالقوه تغییرات دما بر اکوسیستم دریایی مورد توجه مذاکره‌کنندگان بوده است. منابع انرژی مدنظر در آن زمان بیشتر منابع محلی و داخلی از جمله فاضلاب خروجی از زمین، ناشی از تأسیسات صنعتی بود. استفاده از واژه «انرژی» در کنار «مواد» بعنوان عوامل آلوده‌کننده دریا در تعریف ماده ۱ نیز می‌تواند بعنوان نشانه‌ای از آگاهی مذاکره‌کنندگان نسبت به این تهدید باشد.^۲ علاوه بر این، دولت‌ها در زمان تهیه پیش‌نویس تعریف «آلودگی محیط زیست دریا» تصمیم گرفتند عبارت «منجر می‌شود» را با عبارت «منجر شده یا احتمالاً منجر می‌شود» جایگزین کنند. این امر حاکی از وجود اجماع بر لزوم اتخاذ رویکرد احتیاطی و پیشگیرانه به منظور اطمینان از استفاده پایدار از اقیانوس‌ها و حفاظت از تنوع زیستی دریایی در کنوانسیون است.^۳ انکار این امر که گرم شدن و اسیدی شدن اقیانوس‌ها منجر به آلودگی محیط زیست دریا می‌شود، اعتبار و اهداف مهم‌ترین معاهدات زیست‌محیطی را به چالش می‌کشد و منجر به نتیجه‌ای غیرمنطقی می‌شود.^۴

از سوی دیگر ماده ۲۹۳ کنوانسیون حقوق دریاها^۵، با مطرح کردن منابع دیگر حقوق بین‌الملل که با کنوانسیون حقوق دریاها متناقض نیستند، راه‌حلی برای تفسیر مترقیانه مفاد کنوانسیون است. به نظر می‌رسد تفسیر موسع مفهوم آلودگی محیط زیست دریا با اتکا به عبارات لفظی بند ۴ ماده ۱، با حقوق مربوط به تفسیر معاهدات سازگارتر است و حقوق کشورهای ساحلی تحت تأثیر تغییرات اقلیمی را بیشتر تأمین می‌کند. این همان چیزی است که مفسران بخش دوازدهم کنوانسیون حقوق دریاها از آن حمایت کرده‌اند. برای مثال کریل کلمن^۶ قبل از تکمیل کنوانسیون حقوق دریاها پیشنهاد نمود، مقررات کلی در

1. Group of Experts on the Scientific Aspects of Marine Pollution (GESAMP).

گروهی از کارشناسان علمی مستقل هستند که در مورد جنبه‌های علمی حفاظت از محیط زیست دریایی به سازمان ملل متحد مشاوره مستقیم می‌دهند.

2. Doelle, op.cit. at 7-8.

3. Verheyen, op.cit. at 204.

4. Cámara Stougaard-Andresen, op.cit. at 41

۵. ماده ۲۹۳ کنوانسیون حقوق دریاها: «۱- دادگاه یا دیوان دارای صلاحیت به موجب این بخش، این کنوانسیون و سایر قواعد حقوق بین‌الملل که با این کنوانسیون قابل تطابق می‌باشند، را اعمال خواهد نمود...»

6. Crylle de Klemm.

خصوص محیط زیست دریا به نوعی در نظر گرفته شود تا تعهد به حمایت از گونه‌ها و اکوسیستم‌های مورد تهدید را در برگیرد.^۱

۲. تعهدات مندرج در بخش دوازدهم کنوانسیون حقوق دریاها در مقابله با آثار تغییرات اقلیمی

بخش دوازدهم کنوانسیون حقوق دریاها مربوط به تعهد دولت‌ها به حفاظت از محیط زیست دریا است. این بخش با ماده ۱۹۲ آغاز می‌شود که تعهد کلی برای حفاظت و حمایت از محیط زیست دریا را بیان کرده است و میان حق دولت‌ها برای بهره‌برداری از منابع طبیعی خود و وظیفه حمایت و حفاظت از محیط زیست دریا، تعادل ایجاد می‌کند.^۲ اکنون این پرسش مطرح است که با توجه به تعهدات مندرج در این بخش از کنوانسیون، آیا می‌توان ادعا کرد که این تعهدات شامل تعهد به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای نیز می‌شود؟ در این بخش در ابتدا به تعهدات موجود در بخش دوازدهم کنوانسیون در راستای مقابله با آثار تغییرات اقلیمی و سپس به تعهد به همکاری در حمایت از محیط زیست دریا از منظر کنوانسیون حقوق دریاها پرداخته می‌شود.

۲-۱. بخش دوازدهم کنوانسیون حقوق دریاها و تعهد به مقابله با آثار تغییرات اقلیمی

بخش دوازدهم کنوانسیون حقوق دریاها حقوق و وظایفی را جهت کنترل آلودگی موضوع بند ۴ ماده ۱ کنوانسیون بر دوش دولت‌ها قرار داده است. ماده ۱۹۲ به صراحت اشعار می‌دارد که «دولت‌ها متعهد به حمایت و حفاظت از محیط زیست دریا هستند.» تعهد عام مندرج در ماده ۱۹۲، دریاها را به‌عنوان یک کل دربر می‌گیرد. از این رو می‌توان اظهار داشت که ماده ۱۹۲، فراتر از قاعده عرفی لاضرر است. زیرا قاعده عرفی مزبور تنها بر مناطق تحت صلاحیت ملی اعمال می‌شود.^۳ حال آنکه با توجه به عام بودن تعهدات

1. Doelle, op.cit. at 8.

2. UNCLOS, Article 193.

۳. یوشیفومی تاناکا، حقوق بین‌الملل دریاها، ترجمه و تحقیق آرمین طلعت (تهران: انتشارات شهر دانش، ۵۹۳۱) ص

ماده ۱۹۲ انجام هر اقدامی که منجر به تغییرات اقلیمی شود بدون شک، یکی از موارد صریح نقض ماده ۱۹۲ است.

مطابق با ماده ۱۹۴، دولت‌ها متعهد هستند تمامی اقدامات جهت جلوگیری، کاهش و کنترل آلودگی محیط زیست دریا را با استفاده از بهترین ابزار عملی اتخاذ نمایند. این ماده در تحلیل تعهد دولت‌ها برای کاهش آثار تغییرات اقلیمی از اهمیت برخوردار است؛ زیرا پایه و اساس تعهدات خاص و اصول راهنمایی است که انتظار می‌رود دولت‌ها برای حمایت و حفاظت از محیط زیست دریا انجام دهند.^۱

ماده ۱۹۵ کنوانسیون، دولت‌ها را هدایت می‌کند تا به هنگام اتخاذ اقدامات پیشگیرانه یا عملیات لازم برای کاهش و کنترل آلودگی محیط زیست دریا به گونه‌ای عمل کنند که از انتقال آلودگی‌ها از یک منطقه به منطقه دیگر یا از تبدیل یک آلودگی به آلودگی دیگر جلوگیری شود. حسب این ماده، اقدامات کاهنده باید به گونه‌ای طراحی شوند که منجر به دیگر خسارات زیست‌محیطی نشوند، موضوعی که مدنظر مباحث تغییرات اقلیمی است.^۲

ماده ۲۱۲ یکی دیگر از مواد بخش دوازدهم است که اگرچه با توجه به تغییرات اقلیمی و انتشار گازهای گلخانه‌ای نگارش نشده، اما می‌توان آن را به گونه‌ای تفسیر کرد که در این مسائل قابل اجرا باشد. این ماده از دولت‌ها می‌خواهد در سطح ملی قوانین و مقررات لازم برای جلوگیری، کاهش و کنترل آلودگی محیط زیست دریا از هوا یا از طریق اتمسفر را تصویب کنند. این ماده همچنین دولت‌ها را متعهد می‌سازد تا از ایجاد آلودگی جلوگیری کنند و آلودگی‌هایی که از طریق قلمروی هوایی آنها ایجاد می‌شود را کنترل نمایند.

ماده ۲۰۷ کنوانسیون حقوق دریاها که به برخورد با آلودگی ناشی از منابع زمینی می‌پردازد، با عباراتی آنچنان گسترده نوشته شده است که می‌توان انتشار گازهای گلخانه‌ای را مشمول حکم آن دانست. این ماده دولت‌ها را ملزم می‌کند برای جلوگیری، کاهش و کنترل آلودگی دریایی از منابع زمینی، تمهیدات منطقه‌ای و جهانی اتخاذ نمایند. از سوی دیگر ماده ۲۱۳ دولت‌ها را ملزم می‌کند تا قوانین داخلی خود را مطابق با ماده

1. Doelle, op.cit. P. 9-10.

2. Ibid. p. 10.

۲۰۷ و هر تعهد بین‌المللی برای مدیریت منابع زمینی آلوده‌کننده دریا وضع نمایند. البته به نظر می‌رسد این مقررات قدرت اجرایی کمتری نسبت به مواد ۱۹۲ تا ۱۹۵ دارند زیرا تعهد مندرج در آنها "تعهد به وسیله" است و فقط دولت‌ها را ملزم می‌کنند برای کنترل آلودگی تلاش کنند و بنابراین کمتر احتمال دارد نقش مهمی در تعیین تعهدات دولت‌ها به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای داشته باشد.^۱

ماده ۱۹۷ کنوانسیون حقوق دریاها، دولت‌ها را ملزم می‌کند از طریق سازمان‌های بین‌المللی صالح برای تنظیم قواعد، استانداردها و رویه‌های حمایت و حفاظت از محیط زیست دریا با یکدیگر همکاری نمایند. کشورها همچنین به موجب ماده ۴۰۲ مکلف هستند مستقیماً - یا از طریق سازمان‌های بین‌المللی صالح - بطور مداوم خطرات یا آثار آلودگی دریا را مورد مطالعه قرار داده و بویژه باید همواره اثرات مخرب احتمالی هر نوع فعالیتی که خودشان در دریا انجام می‌دهند یا اجازه آن را صادر می‌کنند، بررسی کنند. در دهه‌های اخیر، جامعه بین‌المللی این الزامات را به شکل "رویکرد احتیاطی" برای دولت‌هایی که گازهای گلخانه‌ای را منتشر می‌کنند، پذیرفته است.^۲ بند ۳ ماده ۲۱۲ که دولت‌های عضو را ملزم می‌کند تا از طریق سازمان‌های بین‌المللی صالح یا کنفرانس‌های دیپلماتیک برای اتخاذ اقدامات جهت جلوگیری، کاهش و کنترل آلودگی اقدام کنند، نیز با "رویکرد احتیاطی" مرتبط است. برای تعیین "نهاد صالح" مندرج در بند ۳ ماده ۲۱۲ برای ارجاع به آثار تغییرات اقلیمی، باید کنوانسیون تغییرات اقلیمی مورد توجه قرار گیرد. تعهدات موجود در کنوانسیون تغییرات اقلیمی باید بعنوان «مکانیزم‌های بین‌المللی برای کنترل آلودگی»، به موجب ماده ۲۱۲ کنوانسیون حقوق دریاها به رسمیت شناخته شود. زیرا هدف اصلی آن کنترل انتشار گازهای گلخانه‌ای است تا از دخالت مضر انسان در سیستم اقلیمی جلوگیری شود.^۳

1. Ibid. p. 10-11.

۲. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ر.ک.:

David Freestone and Ellen Hey, *The Precautionary Principle and International Law – The Challenge of Implementation* (Hague: Kluwer Law International, 1996) at 1-274.

3. UNFCCC, Article 2.

کنوانسیون حقوق دریاها یک کنوانسیون تخصصی زیست محیطی تلقی نمی‌شود و با این حال مقررات بخش دوازدهم کنوانسیون حقوق دریاها حاوی استانداردهای حقوقی مناسبی برای حفاظت و حمایت از محیط زیست دریا است. بویژه ماده ۲۳۵ که به صراحت به مسئولیت دولت در حمایت و حفاظت از محیط زیست دریا می‌پردازد. به موجب ماده ۲۳۵، دولت‌ها باید تضمین نمایند که نظام حقوقی آنها برای جبران خسارت فوری و مناسب یا دیگر گزینه‌های جبران خسارت در خصوص خسارت‌های وارده از طریق آلودگی محیط زیست دریا مقررات مناسب داشته باشد. این ماده دولت‌ها را ملزم نموده، به منظور اطمینان از جبران خسارت فوری و مناسب، در اجرای حقوق بین‌الملل کنونی و توسعه بعدی حقوق بین‌الملل مربوط به مسئولیت؛ برای ارزیابی و پرداخت غرامت مربوط به خسارات و حل و فصل اختلافات مربوطه و نیز توسعه معیارها و روش‌های پرداخت غرامت کافی مانند بیمه اجباری یا صندوق‌های پرداخت غرامت، با یکدیگر مشارکت کنند.^۱ این ماده، استاندارد بسیار دقیقی را برای مراقبت از تعهدات و مسئولیت‌های دولت‌ها تحمیل می‌کند. همچنین اجرای ماده ۲۳۵ تعهدات مربوط به کاهش آثار تغییرات اقلیمی را تضمین می‌کند. این ماده صراحتاً موجد یک تعهد بین‌المللی است که می‌تواند در مراقبت و محافظت از محیط زیست دریا، از طریق کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای موثر باشد. بعلاوه نباید مقررات این کنوانسیون را در خصوص مسئولیت دولت در قبال تعهدات زیست محیطی، محدودکننده فرض کرد زیرا ماده ۴۰۳ این کنوانسیون، راه را برای استفاده از دیگر قواعد حقوق بین‌الملل ناظر به مسئولیت بین‌المللی باز گذاشته است.^۲

کنوانسیون حقوق دریاها قواعد مهمی برای حل مسائل ناشی از تغییرات اقلیمی از جمله بالا آمدن آب دریاها، گرم شدن و اسیدی شدن اقیانوس‌ها دارد؛ قواعدی که توسط مجموعه‌ای از اسناد دیگر تکمیل شده و نباید به تنهایی مورد ملاحظه قرار گیرند. مقررات کلیدی در این زمینه تعهدات عمومی مندرج در مواد ۱۹۲، ۱۹۴ و تعریف آلودگی دریایی مندرج در بند ۴ ماده ۱ است. تغییرات اقلیمی به وضوح منجر به آلودگی محیط

1. UNCLOS, Article 235(3).

۲. ماده ۳۰۴ کنوانسیون حقوق دریاها مقرر می‌دارد: «مقررات این کنوانسیون در مورد مسئولیت برای خسارات بر اعمال قواعد موجود و توسعه قواعد بیشتر در ارتباط با مسئولیت در حقوق بین‌الملل، خدشه وارد نمی‌کند.»

زیست دریا می‌شود و تعهدات موجود در بخش دوازدهم کنوانسیون حقوق دریاها باید در پرتو قواعد و استانداردهایی که خارج از این کنوانسیون تدوین شده، تفسیر شود. منبع مستقل در خصوص آلودگی از طریق اتمسفر موضوع ماده ۲۱۲ کنوانسیون حقوق دریاها، تعهدات پذیرفته شده در کنوانسیون تغییرات اقلیمی و موافقت‌نامه پاریس است. بنابراین، تبعیت از کنوانسیون تغییرات اقلیمی و موافقت‌نامه پاریس برای تفسیر و اجرای ماده ۲۱۲ مرتبط و مناسب است. دولت‌ها هم در این خصوص تعهد به فعل و هم تعهد به نتیجه دارند. عبارت دیگر هرچند تعهد به "مشارکت بصورت ملی تعیین شده"^۱ به موجب موافقت‌نامه پاریس تعهد به فعل است، اما هدف "تثبیت دما" از موارد تعهد به نتیجه است. به این ترتیب تعیین سهم "مشارکت ملی" موثر و متابعت از آن برای کشورهای عضو کنوانسیون حقوق دریاها به یک تعهد مستقیم تبدیل می‌شود.^۲

تفسیر تعهدات موافقت‌نامه پاریس از طریق کنوانسیون حقوق دریاها بویژه با توجه به مقررات بخش پانزدهم درباره روش‌های الزامی حل و فصل اختلافات، یک جهش بزرگ در این زمینه است. البته باید در نظر داشت که طرح دعوی نقض تعهدات کنوانسیون به دلیل انتشار گازهای گلخانه‌ای و تغییرات اقلیمی، به موجب روش‌های حل و فصل اختلافات کنوانسیون، نیازمند یک خواهان است و اغلب دولت‌ها معمولاً به دلایل سیاسی و غیره تمایلی به طرح چنین دعوایی ندارند. به هر حال امکان اقامه دعوی به موجب بخش پانزدهم کنوانسیون، مسیر بالقوه‌ای برای ارتباط میان کنوانسیون حقوق دریاها و موافقت‌نامه پاریس است. به نظر می‌رسد تکامل کنوانسیون حقوق دریاها از طریق رویه یا تفسیر، گزینه مناسب‌تری برای کاهش آثار تغییرات اقلیمی است. زیرا فرآیند ایجاد قواعد عرفی منطقه‌ای یا کلی در زمینه حفاظت از محیط زیست دریا زمان‌بر است.^۳

1. Nationally Determined Contribution.

2. Catherine Redgwell, "Treaty Evolution, Adaptation and Change: Is UNCLOS 'Enough' to Address Climate Change Impacts on the Oceans?", In *Climate Change and the Law of the Sea: Adapting the Law of the Sea to Address the Challenges of Climate Change*, Singapore, Conference Report, (2018), P. 22-23.

3. CIL (Center for International Law) National University of Singapore, *Conference on Climate Change and Law of the Sea, Climate Change and the Law of the Sea: Adapting the Law of the Sea to Address the Challenges of Climate Change*, Singapore, Conference Report, (2018), P. 23.

یکی از مسائلی که در تفسیر مواد بخش دوازدهم کنوانسیون مورد توجه است، ارتباط با دیگر موافقت‌های بین‌المللی است. بویژه برای کشورهای عضو کنوانسیون حقوق دریاها که عضو کنوانسیون تنوع زیستی^۱ نیز هستند، کنوانسیون تنوع زیستی می‌تواند بستر جدیدی برای تعریف آلودگی دریایی و تلاش برای اجرا تعهدات کنوانسیون حقوق دریاها برای حمایت و حفاظت از محیط زیست دریا فراهم کند. با توجه به پذیرش وسیع هر دو کنوانسیون، تاثیر کنوانسیون تنوع زیستی بر تفسیر مقررات محیط زیست دریا، کنوانسیون حقوق دریاها قابل توجه است. در زمینه تفسیر تعهدات کشورهای عضو کنوانسیون حقوق دریاها، شناسایی این امر که تغییرات اقلیمی تهدید جدی برای تنوع زیستی است و این که وجود تنوع زیستی برای یک اکوسیستم سالم حیاتی است، از اهمیت برخوردار است.^۲ با برقراری ارتباط میان تغییرات اقلیمی و تعهد به حمایت و حفاظت از محیط زیست دریا، کنوانسیون تنوع زیستی نقش مهمی در تفسیر تعهدات دولت‌های عضو برای کاهش تغییرات اقلیمی خواهد داشت. ماده ۲۹۳ کنوانسیون زمینه استفاده از کنوانسیون تنوع زیستی را بعنوان یک ابزار تفسیر فراهم نموده است. البته استفاده از کنوانسیون تنوع زیستی بعنوان یک ابزار تفسیری، محدود به اختلافات کشوری است که به هر دو معاهده پیوسته باشند.^۳

۲-۲. بخش دوازدهم کنوانسیون حقوق دریاها و تعهد به همکاری در

حمایت از محیط زیست دریا

با توجه به پیوستگی دریاهای جهان، حمایت از محیط زیست دریا در برابر آلودگی بصورت انفرادی توسط دولت‌ها میسر نیست. از این رو دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها، در قضیه ماکس پلانک، بر اهمیت همکاری بین‌المللی اینگونه تاکید نموده است: «بر اساس بخش دوازدهم این کنوانسیون و حقوق بین‌الملل عام، تعهد به همکاری یک اصل

1. Convention on Biological Diversity of the United Nations Conference on the Environment and Development, Done June 5, 1992, Entered into Force 29 December 1993.

۲. در خصوص ارتباط میان تغییرات اقلیمی و تنوع زیستی مراجعه کنید به:

Intergovernmental Panel on Climate Change, "Climate Change and Biodiversity", Technical Paper, IPCC Working Group II, Technical Support Unit, (April 2002).

۳. مگر آنکه ماهیت کنوانسیون تنوع زیستی بعنوان حقوق بین‌الملل عرفی پذیرفته شود.

بنیادین در محافظت از محیط زیست دریا است...»^۱. تعهد به همکاری از اصول اساسی در جلوگیری از آلودگی زیست‌محیطی دریاها بر اساس فصل دوازدهم کنوانسیون حقوق دریاها و دیگر مقررات بین‌المللی است.^۲

کنوانسیون متضمن تعهدات صریح در زمینه همکاری به منظور جلوگیری از آلودگی دریا است. برای نمونه، ماده ۱۹۷ کنوانسیون تصریح می‌کند: «دولت‌ها به منظور حمایت و حفاظت از محیط زیست دریا به شکل جهانی و در مواقع مقتضی به شکل منطقه‌ای، مستقیماً یا از طریق سازمان‌های بین‌المللی صلاحیت‌دار، در تنظیم و تبیین قواعد، استانداردها و روش‌های توصیه شده بین‌المللی منطبق با این کنوانسیون با یکدیگر همکاری خواهند نمود.» به نظر می‌رسد کلمات جهانی و منطقه‌ای نشان می‌دهد که دامنه این مقرر محدود به قلمروهای دریایی تحت صلاحیت ملی نیست. از سوی دیگر واضح است با اثبات اینکه تغییرات اقلیمی خود یکی از منابع عمده آلودگی مندرج در ماده ۱ کنوانسیون است، کشورهای عضو به منظور حمایت و حفاظت از محیط زیست دریا در خصوص این منبع آلودگی نیز به همکاری با یکدیگر متعهدند.

همان‌طور که تعهد دولت‌ها برای جلوگیری از ایراد خسارت به سرزمین دولت دیگر، یک تعهد یکجانبه نیست؛ کلیه دولت‌ها ملزم هستند که به موجب حقوق بین‌الملل عرفی برای جلوگیری از آلودگی زیست‌محیط دریا به همکاری با یکدیگر بپردازند. تعهد عام همکاری دولت‌ها در مسائل زیست‌محیطی، ریشه در واقعیت «محیط زیست؛ میراث مشترک بشریت» دارد. در این شرایط، تعهد دولت‌ها نسبت به زیست‌محیط دریاها، اگرچه به معنای جلوگیری مطلق از آلودگی نیست، لیکن واجد تعهد به انجام اقدام مقتضی برای ایجاد حداقل آلودگی به زیست‌محیط دریاها است.^۳

ماده ۱۹۸، دولت را موظف می‌کند: «هرگاه اطلاع پیدا کند که محیط زیست دریا به علت آلودگی در معرض خطر قریب‌الوقوع قرار دارد یا آسیب دیده است، بلافاصله

1. The MOX Plant Case (Ireland v. United Kingdom), International Tribunal for the Law of the Sea, Provisional Measures, 2002, paragraph 82.

۲. جواد صالحی، «پیشگیری و جبران خسارات ناشی از آلودگی زیست‌محیط دریاها و صید غیرمجاز منابع زندهی آن»، مجله ایمنی زیستی دوره ۷، شماره ۲، (۳۹۳۱)، ص ۱۲.

۳. صالحی، همان، ص ۱۳.

مراتب را به اطلاع دولت‌های دیگری که احتمال می‌دهد این آسیب به آنها لطمه بزند و نیز به اطلاع سازمان‌های ذی‌صلاح بین‌المللی» برساند. چنانچه خطر قریب‌القوع وجود داشته باشد، دولت‌هایی که در منطقه آسیب‌دیده واقع شده‌اند و سازمان‌های بین‌المللی ذی‌صلاح باید تا حد امکان، برای از بین بردن آثار آلودگی و پیشگیری یا تقلیل صدمات، همکاری نمایند و به این منظور دولت‌ها باید مشترکاً طرح‌های اضطراری برای مقابله با حوادث آلودگی در محیط زیست دریا تهیه کنند (ماده ۱۹۹). همچنین تعهدات مربوط به همکاری در مقررات بازرسی‌های فیزیکی کشتی‌های خارجی (بند ۲ ماده ۲۲۶) مقرر شده است. این تعهدات قابلیت تعمیم به کنترل انتشار گازهای گلخانه‌ای توسط کشتی‌ها را دارد.

علاوه بر این، تعهد به همکاری به طور غیرمستقیم در مقررات راجع به آلودگی ناشی از منابع مستقر در خشکی (بند ۴ ماده ۲۰۷)، آلودگی ناشی از فعالیت‌های بستر دریا تحت صلاحیت ملی (بند ۵ ماده ۲۰۸)، آلودگی ناشی از دفع مواد زاید (بند ۴ ماده ۲۱۰)، آلودگی ناشی از کشتی‌ها (بند ۱ ماده ۲۱۱) و آلودگی ناشی از جو یا از طریق جو (بند ۳ ماده ۲۱۲) درج شده است.^۱ در مجموع، کنوانسیون حقوق دریاها گام‌های مهمی در زمینه وضع مقررات جامع آلودگی دریا در اقیانوس‌ها و همکاری در این زمینه برداشته است که قابلیت تسری به آلودگی‌های ناشی از انتشار گازهای گلخانه‌ای را نیز دارد.

۲-۳. بخش سیزدهم کنوانسیون حقوق دریاها و ارزیابی آثار تغییرات اقلیمی بر دریاها

بخش سیزدهم کنوانسیون مربوط به تحقیقات علمی دریایی است. تحقیقات علمی دریایی و مقوله حفاظت از محیط زیست (و به تبع آن حقوق بین‌الملل محیط زیست) دارای برهم کنش و تأثیر و تأثر بر یکدیگرند.^۲ نخستین مقررہ بخش سیزدهم، ماده ۲۳۸ مقرر می‌دارد: «تمام دولت‌ها صرف‌نظر از موقعیت جغرافی آنها و سازمان‌های بین‌المللی صلاحیت‌دار حق دارند، منوط به رعایت حقوق و تکالیف سایر کشورها، به نحو مقرر در این

۱. تاناکا، همان، ص ۴۱۸.

۲. سیدضیاءالدین مدنی، «محورهای ارتباطی میان تحقیقات علمی دریایی و مقوله حفاظت از محیط زیست دریایی: یک واکاوی حقوقی بین‌المللی»، اقیانوس‌شناسی، سال سوم، شماره ۱۱، (۱۳۹۱)، ص ۹۲.

کنوانسیون تحقیقات علمی دریایی انجام دهند...». این مقرر تصریح می‌کند که تمامی دولت‌ها از جمله دولت‌های محصور در خشکی و دارای وضعیت نامساعد جغرافیایی و همچنین دولت‌های غیرعضو کنوانسیون حقوق دریاها از حق انجام تحقیقات علمی دریایی برخوردارند.

بند ۱ ماده ۱۹۴ کنوانسیون از دولت‌ها می‌خواهد که «به کاهش و کنترل آلودگی با استفاده از بهترین و عملی‌ترین ابزار ممکن و منطبق با توانایی‌هایشان مبادرت ورزند». می‌توان ملاحظه نمود که دو مقوله «تحقیقات علمی دریایی» و «حمایت و حفاظت از محیط زیست دریایی» به گونه‌ای تنگاتنگ به یکدیگر پیوند خورده‌اند. به بیان دیگر ارتباط میان دو مقوله تحقیقات علمی دریایی و حمایت و حفاظت از محیط زیست دریایی از یک سو دربردارنده موضوع حمایت و حفاظت از محیط زیست دریایی است که امروزه به تعهدی برای تمامی دولت‌ها (با حدود و ثغور متفاوت) بدل شده است و از سوی دیگر متضمن این واقعیت است که مقوله حمایت و حفاظت از محیط زیست (دریایی) نیازمند تحقیقات علمی دریایی است. عبارت دیگر، هدف عمده تحقیقات علمی دریایی (در مقایسه با سایر تحقیقات)، دستیابی به داده‌ها، اطلاعات و نتایجی است که به کمک حفاظت و حمایت از محیط زیست خواهند آمد.^۱ به نظر می‌رسد کشورهای قربانی تغییرات اقلیمی می‌توانند فارغ از موقعیت جغرافیایی خود از این مقرر به خوبی بهره ببرند. زیرا با انجام تحقیقات علمی در زمینه آثار تغییرات اقلیمی بر محیط زیست دریایی و اثبات آثار این تغییرات بر محیط زیست دریایی و جانداران دریایی، می‌توان ادعا کرد کشورهای عضو کنوانسیون که در ایجاد این آثار دخیل هستند، بخش دوازدهم کنوانسیون که در زمینه حمایت و حفاظت از محیط زیست دریایی می‌باشد را نقض کرده‌اند.

تغییرات اقلیمی پدیده‌ای جهانی است که بر اکوسیستم‌های دریایی از طریق طیف وسیعی از فرآیندهای فیزیکی، شیمیایی و بیولوژیکی تأثیر می‌گذارد. پیش‌بینی آثار تغییرات اقلیمی بر محیط زیست دریا مستلزم آن است که چنین آثاری در تمام مقیاس‌ها مشخص شوند. با این حال، اکثر تحقیقات علمی در زمینه آثار تغییرات اقلیمی بر محیط

۱. همان، ص ۹۳.

زیست دریا (برای مثال هواشناسی، اقیانوس‌شناسی، بوم‌شناسی) در مکان یا زمان محدود شده‌اند و به منظور افزایش دقت این تحقیقات، باید تمام جوانب زمانی و مکانی چنین آثاری مدنظر قرار گیرد. از باب نمونه تحقیقات گسترده اتحادیه اروپا در این زمینه، اطلاعات زیادی در خصوص چگونگی تاثیر تغییرات اقلیمی بر سیستم‌های دریایی در مقیاس‌های مختلف مکانی و زمانی فراهم کرده است. این تحقیقات در زمینه‌های مختلفی همچون اثرات طولانی‌مدت دی‌اکسید کربن در زیست کره و اثرات فوری افزایش دما بر متابولیسم باکتری‌ها است.^۱ با اثبات شمول تغییرات اقلیمی در تعریف آلودگی مندرج در بند ۴ ماده ۱ کنوانسیون و اینکه این تغییرات چنین آثاری بر محیط زیست دریایی دارد، تعهد به کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای حسب کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاهای مطروح می‌شود.

به یمن مجوزهای بخش ۱۳ کنوانسیون، تاکنون تحقیقات زیادی به منظور درک بهتر اثرات تغییرات اقلیمی بر اقیانوس‌ها انجام شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد در ۲۰ سال گذشته، علوم دریایی تحت تأثیر تغییرات اقلیمی قرار گرفته‌اند و علاوه بر محققین علوم اقیانوس‌شناسی و اقلیم‌شناسی، زیست‌شناسان دریایی و اکولوژیست‌ها نیز بر این آثار تمرکز بیشتری کرده‌اند. برخی معتقدند رشد نسبتاً زیاد پژوهش‌های مرتبط با تغییرات اقلیمی در زمینه علوم دریایی با انتشار نخستین گزارش هیئت بین‌الدولی تغییرات اقلیمی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۰ همزمان بوده که حاکی از نفوذ این گزارش و تأثیر آن بر دانشمندان علوم دریایی است.^۲ برای مثال پژوهشگران بنیاد تارا در تحقیقات مفصل اقیانوس‌شناسی خود در سال‌های ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳ بر نقش تنوع زیستی دریایی میکروسکوپی در اکوسیستم دریایی و اثر تغییرات اقلیمی بر آن متمرکز شدند یا در تحقیقات دیگری در سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۱۸ به مطالعه قدرت سازگاری صخره‌های

1. Carlo Heip, *Climate Change and Marine Ecosystem Research Synthesis of European Research on the Effects of Climate Change on Marine Environments*, Marine Board Special Report, Seventh Framework Programme, (2009), p. 142.

2. Catherine Jexm, "How Climate Change Changed the Face of Marine Science", February 10, 2016, available at <https://scienordenic.com/climate-change-denmark-ipcc/how-climate-change-changed-the-face-of-marine-science/1429315>, (last Visited 15 Jan. 2020).

مرجانی در مقابله با تغییرات اقلیمی پرداختند^۱ و به مدد چنین پژوهش‌هایی است که در سال‌های اخیر، مجمع عمومی سازمان ملل متحد آثار تغییرات اقلیمی بر اقیانوس‌ها را مورد شناسایی قرار داده است. مجمع عمومی، کشورها را به بهبود فعالیت‌های علمی، برای ارزیابی آثار تغییرات اقلیمی بر محیط زیست دریا و تنوع زیستی دریایی و توسعه ابزارهای سازگاری فراخوانده است. همچنین بر اهمیت افزایش دانش علمی در رابطه با اقیانوس‌ها و جو زمین از طریق مشارکت در برنامه‌های رصد اقیانوس و سیستم‌های اطلاعات جغرافیایی مانند نظارت جهانی تأکید دارد.^۲ زیرا واضح است که پیشرفت دانش در این زمینه نیازمند تقویت فوری ظرفیت‌های علمی، فنی و مالی است.

کنفرانس اعضای کنوانسیون تغییرات اقلیمی، بودجه و مکانیزم‌هایی را برای مقابله با چالش‌های کاهش و سازگاری با تغییرات اقلیمی تخصیص داده است. همچنین ابتکارات خصوصی مشترک بین سازمان‌های غیردولتی، موسسات پژوهشی و شرکت‌های تجاری به این پژوهش‌ها کمک کرده است.^۳ اما واقعیت آن است که چنین اقداماتی برای مقابله با مشکلات و خسارات تغییرات اقلیمی که بر بسیاری از ملت‌ها تحمیل شده ناکافی است.

چارچوب حقوقی کنوانسیون حقوق دریاها مبتنی بر توازن حساس میان آزادی تحقیقات علمی دریایی و حمایت از منافع دولت‌های ساحلی است. با وجود این، دامنه تحقیقات علمی دریایی کاملاً روشن نیست. مثلاً تمایز تحقیقات علمی دریایی از اکتشاف منابع طبیعی در عمل مشکل است. از سوی دیگر حتی دولت‌های قدرتمند دارای فناوری‌های علمی دریایی توسعه‌یافته، به تنهایی قادر به تشریح سازوکارهای اقیانوس‌ها نیستند؛ بنابراین، همکاری بین‌المللی برای پیشبرد چنین تحقیقاتی ضروری است. با توجه به اینکه تحقیقات علمی دریایی به نفع کل بشریت است، همکاری علمی بین‌المللی در این زمینه از اهمیت روزافزونی برخوردار است. کنوانسیون حقوق دریاها متضمن بسیاری

۱. برای مطالعه در خصوص این بنیاد و پژوهش‌های آن ر.ک. وبگاه این بنیاد به نشانی

<https://oceans.taraexpeditions.org>.

2. Bleuenn Guilloux, and Romain Schumm, "Which International Law for Ocean and Climate?", http://www.ocean-climate.org/wp-content/uploads/2017/03/international-law-161024_ScientificNotes_Oct2016_BD_ppp-14.pdf, (last Visited 15 Jan. 2020).

3. Ibid.

از قواعد در مورد همکاری بین‌المللی در زمینه تحقیقات علمی دریایی است؛^۱ بنابراین در تحقیقات علمی دریایی درباره تغییرات اقلیمی، این همکاری باید مدنظر قرار گیرد. تمامی کشورها اعم از کشورهای ساحلی یا بدون ساحل و کشورهای متضرر از تغییرات اقلیمی و کشورهای تولیدکننده عمده گازهای گلخانه‌ای باید زمینه انجام چنین تحقیقاتی را فراهم کنند.

اگرچه تحقیقات دریایی اصولاً به صورت ملی صورت می‌گیرد، ولی مواردی از همکاری بین‌المللی نیز وجود دارد و کنوانسیون ۱۹۸۲ آن را در مواد ۱۴۳ و ۲۴۲ تشویق کرده است. همکاری بین‌المللی ممکن است موقتی و در موردی خاص باشد. اکثر همکاری‌های بین‌المللی توسط سازمان‌های بین‌الدولی و یا غیردولتی بین‌المللی صورت می‌گیرد.^۲ اصل همکاری‌های بین‌المللی کشورها و سازمان‌های بین‌المللی جهت اطمینان از جریان درست داده‌ها و انتقال اطلاعات بین محققان و کشورهایی که در تحقیقات علمی دریایی شرکت دارند انجام می‌گیرد. البته این فرایند باید کشورهای ساحلی در حال توسعه را برای انجام تحقیقات علمی دریایی مستقل پشتیبانی کند.^۳ برای مثال تحقیقات گسترده اتحادیه اروپا اطلاعات گسترده‌ای در خصوص چگونگی تأثیر تغییرات اقلیمی بر سیستم‌های دریایی در مقیاس‌های مختلف مکانی و زمانی فراهم کرده است. این تحقیقات در زمینه‌های گوناگونی همچون اثرات طولانی‌مدت دی‌اکسیدکربن در زیست‌کره و اثرات فوری افزایش دما بر متابولیسم باکتری‌هاست.^۴ نقش کشورهای در معرض تغییرات اقلیمی بویژه کشورهای در حال توسعه کوچک جزیره‌ای، برای همکاری در تحقیقات مربوط به آثار تغییرات اقلیمی بر محیط زیست دریایی بسیار برجسته است و می‌تواند در آینده زمینه را برای استناد به مسئولیت بین‌المللی کشورهای منتشرکننده گازهای گلخانه‌ای فراهم کند.

۱. تاناکا، همان، ص ۵۴۵.

۲. رابین چرچیل، آلن لو، *حقوق بین‌الملل دریاها*، ترجمه بهمن آقایی، چاپ هفتم (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۳) ص ۴۵۹.

۳. یاسر امین رعایا، «تحقیقات علمی در منطقه انحصاری اقتصادی دریایی»، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۳، (۱۳۹۱)، ص ۷۸۱.

4. Carlo Heip, op.cit. P. 141.

۳. تسری تعهدات زیست‌محیطی کنوانسیون حقوق دریاها به کشورهای غیر عضو تردیدی نیست که دولت‌های غیرعضو کنوانسیون حقوق دریاها همواره مشمول آن دسته از مقررات مندرج در کنوانسیون هستند که قواعد عرفی بین‌المللی را مدون کرده یا متعاقباً تبدیل به عرف شده‌اند. بعبارت دیگر قسمت‌هایی از کنوانسیون برای کلیه کشورهای جهان اعم از آنکه عضو کنوانسیون باشند یا خیر، محفوظ و معتبر خواهد بود. تنها آن قسمت از مواد کنوانسیون که صرفاً مولود توافق متقابل و عمدتاً ناظر به مسائلی شکلی و آیینی است و طبیعت تقنینی ندارد، منحصر به کشورهای عضو بوده و فقط کشورهای عضو به آن متعهد هستند و می‌توانند از حقوق قراردادی ناشی از آن بهره‌مند شوند.^۱

تدوین کنوانسیون حقوق دریاها تقریباً با مشارکت تمامی کشورها صورت گرفت و بسیاری از قواعد مندرج در متن نهایی از طریق اجماع مورد قبول واقع شد^۲ و به دلیل تصویب گسترده و پذیرش بالای معاهدات مربوط به حمایت از محیط زیست دریا، می‌توان گفت که این تعهدات مندرج در کنوانسیون حقوق دریاها، تبدیل به بخشی از قواعد عرفی شده‌اند.^۳

اهمیت موضوع به لحاظ عدم عضویت ایالات متحده آمریکا، یکی از بزرگ‌ترین تولیدکنندگان گازهای گلخانه‌ای، در کنوانسیون ۱۹۸۲ مضاعف می‌شود. هرچند به اعتقاد مسئولین دولتی و حقوقدانان امریکایی، کنوانسیون ۱۹۸۲ برای آمریکا همراه با منافع خاصی است اما با توجه به مخالفت‌های از قبل اعلام شده آمریکا با فصل یازدهم کنوانسیون در خصوص نظام حاکم بر بستر دریاها؛ ریگان، رئیس‌جمهور وقت آمریکا، یک ماه پس از گشوده شدن کنوانسیون برای امضاء، رسماً اعلام کرد که تصمیم به امضای کنوانسیون ندارد.^۴ همزمان با رد این کنوانسیون، ریگان اظهار داشت بیشتر مواد

۱. علی اصغر کاظمی، «مسئله شمول مفاد کنوانسیون جدید حقوق دریاها به کشورهای ثالث غیرعضو»، مجله حقوقی، شماره هشتم، (۱۳۶۶)، ص ۷۶-۷۵.

2. Bernhardt, Rudolf, *Custom and Treaty in the Law of Sea* (Leiden: Nijhoff, 1987) P. 328.

۳. تاناکا، همان، ص ۴۱۵.

4. Statement by the President on the Convention on the Law of the Sea, 18 WEEKLY COMP. PRES. Doc. 887 (July 9, 1982) cited in W.T. Burke,

این معاهده دربردارنده منافع تمام ملت‌هاست.^۱ در مارس ۱۹۸۳ ایالات متحده وجود منطقه انحصاری اقتصادی را برای خود اعلام نمود و در بیانیه‌ای اعلام داشت مقررات کنوانسیون را در زمینه استفاده سنتی از اقیانوس که عموماً بعنوان «حقوق دریایی موجود»^۲ نامیده می‌شود، تأیید می‌نماید. هدف از این اظهارات این بود که نشان داده شود بخش مهمی از این معاهده به حقوق بین‌الملل عرفی تبدیل شده است و امریکا می‌تواند به آن استناد کند.^۳ بنابراین می‌توان این استدلال را علیه این کشور نیز بکار برد. بویژه آن که در سال ۱۹۹۴ امریکا با امضای توافقنامه نحوه اجرای فصل یازدهم کنوانسیون حقوق دریاها، عملاً از مهمترین مخالفت خود با بخش ماهوی کنوانسیون یعنی فصل یازدهم نیز دست برداشته است.^۴

دادگاه‌ها، دیوان‌های بین‌المللی، دولت‌ها و محققان طی نیم قرن گذشته (بسیاری در دو دهه گذشته) مقررات مختلف کنوانسیون‌های چهارگانه ۱۹۵۸ و کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها را بعنوان حقوق بین‌الملل عرفی شناسایی کرده‌اند و تمامی دولت‌ها از جمله کشورهایی که به این معاهدات نپیوسته‌اند را ملزم به اجرای این معاهدات می‌دانند. در چند دهه گذشته، اسناد بین‌المللی متعددی به حقوق عرفی دریایی مندرج در کنوانسیون حقوق دریاها اشاره‌ای کلی کرده‌اند. اکنون این پرسش مطرح می‌شود که امروزه کدام مواد این معاهده به منزله حقوق بین‌الملل عرفی برای تمام کشورها لازم‌الاجرا است. پاسخ به این پرسش در آرای دیوان بین‌المللی دادگستری و دیگر دیوان‌ها یافت می‌شود. بسیاری از مقررات بخش دوازدهم و سیزدهم کنوانسیون که موضوع این نوشتار است از جمله وظیفه همکاری در حفاظت از محیط زیست دریا در قضیه احیای زمین^۵ و نیاز به

“Customary Law of the Sea: Advocacy or Disinterested Scholarship?”, Yale Journal of International Law, Volume 14, Issue 2, (1989), P. 509.

1. Ibid.

2. Existing Maritime Law.

3. W.T. Burke, op.cit. PP. 508-509.

4. Christopher C. Joyner, “The United States and the New Law of the Sea”, Ocean Development & International Law Volume. 27, Issue 1-2, (1996), at 42, doi: 10.1080/00908329609546074.

5. Case concerning Land Reclamation by Singapore in and Around the Straits of Johor (Malaysia v. Singapore), Provisional Measures, ITLOS Order, paragraph 92 (8 October 2003) (duty to cooperate in Part XII).

ارزیابی زیست‌محیطی در پرونده پالپ میلز^۱، در آرای مراجع بین‌المللی بعنوان بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی اعلام شده‌اند.

چرچیل و لو از جمله مقررات ذیل، مندرج در بخش دوازدهم کنوانسیون حقوق دریاها را به‌عنوان حقوق بین‌الملل عرفی شناسایی کرده‌اند:

الف- ماده ۲۱۰(۵): تخلیه زباله در دریای سرزمینی، منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره؛

ب- ماده ۲۲۱: اقدامات فراتر از دریای سرزمینی؛

پ- ماده ۲۳۶: مصونیت حاکمیت.

در این دیدگاه، تعهدات مربوط به حمایت از محیط زیست دریا مندرج در کنوانسیون حقوق دریاها تبدیل به بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی شده است. در حال حاضر تعهد به اطلاع‌رسانی، مندرج در ماده ۱۹۸، ممکن است بیان‌کننده حقوق بین‌الملل عرفی باشد.^۲ دادگاه‌ها و دیوان‌های بین‌المللی، مقررات مندرج در بخش سیزدهم کنوانسیون را درباره تحقیقات علمی، حقوق بین‌الملل عرفی نخوانده‌اند. ولی می‌دانیم که مقررات موضوعات ماهوی کنوانسیون اکنون بعد از نزدیک به ۴۰ پس از تصویب کنوانسیون بطور عمومی مورد اجرای بخش اعظم جامعه جهانی است و شاید بتوان ادعا کرد تنها دولت‌هایی که به برخی از این مقررات اعتراض مستمر داشته‌اند، می‌توانند ادعا کنند مقررات تاسیسی کنوانسیون نسبت به آنها به‌عنوان قاعده عرفی قابلیت اجرا ندارد. امروزه در مورد مقررات فصل سیزدهم، اصل رضایت کشور ساحلی برای تحقیقات در منطقه انحصاری، اقتصادی و فلات قاره، بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی است. با این حال حسب بند ۳ ماده ۲۴۶ کنوانسیون، دولت ساحلی در شرایط عادی باید به درخواست‌های انجام تحقیقات علمی در این مناطق پاسخ مثبت دهد. با وجود این بسیاری از جزئیات رژیم کنوانسیون از جمله زمان اطلاع‌رسانی و رضایت ضمنی، به دلیل کمبود رویه و نبود ویژگی قاعده، احتمالاً قابلیت آن را ندارند تا تبدیل به بخشی از حقوق بین‌الملل عرفی

1. Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay), 2010, ICJ, paragraph 204, J. Ashley Roach, "Today's Customary International Law of the Sea", Ocean Development and International Law, (2014), Volume 45, Issue 3, pp. 239-241.

2. Roach, op.cit. p. 251.

شوند.^۱ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که کشورهای منتشرکننده گازهای گلخانه‌ای، حتی در صورت عدم عضویت در کنوانسیون حقوق دریاها مانند امریکا، به اغلب مقررات مندرج در بخش دوازدهم و سیزدهم متعهد هستند.

نتیجه‌گیری

کنوانسیون حقوق دریاها در مقایسه با معاهدات خاص زیست‌محیطی، کنوانسیون عام تلقی می‌شود که تنها مقرراتی کلی در خصوص حفاظت از محیط زیست دارد، ولی دارای این مزیت است که در آن روش‌های حل و فصل اجباری اختلافات پیش‌بینی شده است؛ بنابراین چنانچه بتوان نقض تعهدات زیست‌محیطی را نقض کنوانسیون حقوق دریاها دانست احتمالاً بتوان علیه ناقضین طرح دعوا نیز نمود.

در این مقاله تلاش شد تا نشان داده شود می‌توان گازهای گلخانه‌ای را با توجه به آثار آن بر محیط زیست دریا، مشمول تعریف آلودگی محیط زیست دریا، مندرج در کنوانسیون حقوق دریاها دانست و از آن نتیجه گرفت که منتشرکنندگان بزرگ گازهای گلخانه‌ای ناقض کنوانسیون حقوق دریاها هستند؛ بنابراین می‌توان با استفاده از مکانیزم‌های الزامی حل و فصل مندرج در بخش پانزدهم این کنوانسیون علیه آنها طرح دعوی کرد. کنوانسیون حقوق دریاها در بند ۴ ماده ۱، تعریف گسترده‌ای از آلودگی دریایی ارائه می‌دهد و می‌توان گرم شدن و اسیدی شدن اقیانوس‌ها و بالا آمدن آب دریاها که از آثار تغییرات اقلیمی هستند را با تعریف ماده ۱(۴) منطبق دانست و از برخی تعهدات موجود در بخش دوازدهم و سیزدهم کنوانسیون به منظور انجام اقداماتی برای رفع آثار سوء تغییرات اقلیمی استفاده کرد.

اگرچه در تعریف آلودگی محیط زیست مندرج در بند ۴ ماده ۱، هیچ اشاره مستقیمی به تغییرات اقلیمی وجود ندارد؛ کاملاً روشن است هر ماده یا انرژی تولید شده توسط فعالیت‌های انسان که به صورت مستقیم یا غیرمستقیم منجر به آلودگی محیط زیست دریا و آسیب به حیات دریایی شود، به موجب این ماده ممنوع است. بر اساس این تعریف وسیع، "گازهای گلخانه‌ای" آلودگی محسوب می‌شود و انتشار آن تحت پوشش رژیم حقوقی این کنوانسیون قرار می‌گیرد؛ زیرا انتشار این گازها منجر به ورود صدمه و

1. Ibid. p. 251.

خسارت به منابع زنده و حیات دریایی، زیان به سلامت و بهداشت بشری، وقفه در فعالیت‌های دریایی از جمله ماهیگیری و سایر استفاده‌های مشروع از دریا و لطمه به کیفیت آب و کاهش مطبوعیت آن می‌شود.

مقررات کنوانسیون حقوق دریاها بویژه بخش دوازدهم آن، شرایط مناسبی برای کشورهای تحت تأثیر تغییرات اقلیمی فراهم می‌آورد تا علیه کشورهای منتشرکننده گازهای گلخانه‌ای به خاطر نقض تعهد به کاهش انتشار این گازها و نقض تعهد حمایت و حفاظت از محیط زیست دریایی، طرح دعوی کنند. تعهدات دولت‌ها به حمایت و حفاظت از محیط زیست دریا از طریق جلوگیری، کاهش و کنترل آلودگی و تعهد به استفاده از بهترین ابزار عملی مطابق با قابلیت‌های دولت، مندرج در ماده ۱۹۴، تعهدات مهمی هستند. همچنین تعهد به جلوگیری از گسترش آلودگی به خارج از محدوده قضایی دولت، مقرر مهمی است. البته باید به این نکته توجه داشت که ماهیت بخش دوازدهم کنوانسیون تاکنون توسط یک دادگاه بین‌المللی تفسیر نشده و تنها در دعوای مالزی علیه سنگاپور در مورد فعالیت‌های احیای زمین توسط سنگاپور به مواد ۱۹۲ و ۱۹۴ کنوانسیون به صراحت اشاره شده است که در آن پرونده نیز دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها در رأی خود در خصوص درخواست اقدامات موقت، تحلیل ماهوی از این مقررات ارائه نداد. همچنین ایرلند بسیاری از مواد بخش دوازدهم را در دعوای خود علیه بریتانیا در مورد کارخانه ماکس مطرح کرد. با این حال دادگاه بین‌المللی حقوق دریاها در رأی خود به رد درخواست ایرلند برای اقدامات موقت، تفسیر ماهوی از این مقررات ارائه نکرده است. مقررات بخش سیزدهم این کنوانسیون تحت عنوان «تحقیقات علمی دریایی» قابلیت آن را دارد که به کشورهای ساحلی تحت تأثیر گازهای گلخانه‌ای بخصوص کشورهای در حال توسعه کوچک جزیره‌ای، برای اثبات اینکه کشورهای منتشرکننده عمده گازهای گلخانه‌ای تعهدات مندرج در کنوانسیون بویژه بخش دوازدهم را نقض کرده‌اند، یاری رساند.

التهیه اگرچه ضمانت اجراهای مندرج در بخش پانزدهم کنوانسیون حقوق دریاها یعنی حل و فصل اجباری اختلافات در مورد کشورهای غیرعضو این کنوانسیون قابلیت اجرا ندارد، اما نظر به اینکه بسیاری از تعهدات مندرج در بخش دوازدهم کنوانسیون تبدیل به تعهدات عرفی شده‌اند، حداقل می‌توان به صراحت کشورهای منتشرکننده

گازهای گلخانه‌ای که مهم‌ترین آنها ایالات متحده امریکا است را ناقض تعهدات زیست‌محیطی بین‌المللی معرفی نمود و از دیگر ضمانت‌اجراهای حقوق بین‌الملل برای مجبور کردن آنها به گردن نهادن به تعهدات بین‌المللی مدد جست.

منابع

کتاب‌ها

- چرچیل، رابین، آلن لو، *حقوق بین‌الملل دریاها*، ترجمه بهمن آقایی، چاپ هفتم (تهران: انتشارات گنج دانش، ۱۳۹۳).
- تاناکا، یوشیفومی، *حقوق بین‌الملل دریاها*، ترجمه و تحقیق آرمن طلعت (تهران: انتشارات شهر دانش، ۱۳۹۵).

مقاله‌ها

- امین‌رعایا، یاسر، «تحقیقات علمی در منطقه انحصاری اقتصادی دریایی»، فصلنامه سیاست خارجی، شماره ۳، (۱۳۹۱).
- پیری، مهدی، «تأملی بر آثار حقوقی الحاق جمهوری اسلامی ایران به توافقنامه پاریس در خصوص تغییرات اقلیمی»، فصلنامه مطالعات حقوق عمومی، دوره ۴۸، شماره ۴، (۱۳۹۷).
- صالحی، جواد، «پیشگیری و جبران خسارات ناشی از آلودگی زیست‌محیط دریاها و صید غیرمجاز منابع زنده آن»، *مجله ایمنی زیستی* دوره ۷، شماره ۲، (۱۳۹۳).
- کاظمی، علی‌اصغر، «مسئله شمول مفاد کنوانسیون جدید حقوق دریاها به کشورهای ثالث غیرعضو»، *مجله حقوقی*، شماره ۸، (۱۳۶۶).
- کریمی‌پور، یدالله، عابد گل کرمی و سید محمد حسینی، «ژئوپلیتیک خلاهای حقوقی مبارزه با آلودگی دریاها»، *مجلس و راهبرد*، شماره ۸۳، (۱۳۹۴).
- عتابی، فریده، مهرداد ناظمی، امیرعباس صدیقی، نریمان توکلی، «بررسی تعهدات و مقررات کنوانسیون تغییرات آب و هوا و ارزیابی نحوه اجرای آن در جمهوری اسلامی ایران»، *علوم و تکنولوژی محیط زیست*، دوره دوازدهم، شماره ۲، (۱۳۸۹).

- مدنی، سیدضیاءالدین، «محوهای ارتباطی میان تحقیقات علمی دریایی و مقوله حفاظت از محیط زیست دریایی: یک واکاوی حقوقی بین‌المللی»، اقیانوس‌شناسی، سال سوم، شماره ۱۱، (۱۳۹۰).

References

Books

- Bernhardt, Rudolf, *Custom and Treaty in the Law of Sea* (Leiden/Boston: Martinus Nijhoff, 1987).
- Verheyen, Roda, *Climate Change Damage and International Law* (Leiden/ Boston: Martinus Nijhoff, 2005).
- Xue. Guifang Julia, *Climate Change Challenges and the Law of the Sea Responses*, in *Climate Change: International Law and Global Governance Volume I: Legal Responses and Global Responsibility*, (Baden: Nomos, 2013).

Thesis

- Cámara Stougaard-Andresen, Roberto A., *Climate Change and the Law of the Sea Convention*, (Master's Programme in Maritime Law, 2011).

Articles

- Burke, W.T., "Customary Law of the Sea: Advocacy or Disinterested Scholarship?", *Yale Journal of International Law*, Volume 14, Issue 2, (1989).
- CIL (Center for International Law) National University of Singapore, "Conference on Climate Change and Law of the Sea, Climate Change and the Law of the Sea: Adapting the Law of the Sea to Address the Challenges of Climate Change", Singapore, Conference Report, (2018).

- Doelle, Meinhard, “Climate Change and the Use of the Dispute Settlement Regime of the Law of the Sea Convention”, *Ocean Development and International Law*, Volume 37, (2006).
- Guilloux, Bleuenn and Schumm, Romain, “Which International Law for Ocean and Climate?”, available at: [http:// www. ocean- climate. org/ wp- content/uploads/2017/03/internationallaw-161024_ Scientific Notes _Oct2016_BD_ppp-14.pdf](http://www.ocean-climate.org/wp-content/uploads/2017/03/internationallaw-161024_Scientific_Notes_Oct2016_BD_ppp-14.pdf), (last Visited 10 Jan. 2020).
- Heip, Carlo, “Climate Change and Marine Ecosystem Research Synthesis of European Research on the Effects of Climate Change on Marine Environments”, *Marine Board Special Report, Seventh Framework Programme*, (2009).
- Jexm, Catherine, “How Climate Change changed the Face of Marine Science”, February 10, (2016), [https:// sciencenordic. com/ climate- change- denmark- ipcc/ how- climate- change- changed- the- face- of- marine-science/1429315](https://sciencenordic.com/climate-change-denmark-ipcc/how-climate-change-changed-the-face-of-marine-science/1429315), (last Visited 10 June. 2020).
- Joyner, Christopher C., “The United States and the New Law of the Sea”, *Ocean Development & International Law*, Volume 27, Issue 1-2, (1996), DOI: 10.1080/00908329609546074.
- Roach, J. Ashley, “Today's Customary International Law of the Sea”, *Ocean Development and International Law*, Volume 45, Issue 3, (2014).
- Redgwell, Catherine, “Treaty Evolution, Adaptation and Change: Is UNCLOS ‘Enough’ to Address Climate Change Impacts on the Oceans?”, in *Climate Change and the Law of the Sea: Adapting the Law of the Sea to Address the Challenges of Climate Change*, Singapore, Conference Report, (2018).
- Strauss, Andrew, “The Legal Option: The United States in International Forums for Global Warming Emissions”, *The Environmental Law Reporter*, 33, (2003).
- Secretariat of the Convention on Biological Diversity, “Scientific Synthesis of the Impacts of Ocean Acidification on Marine Biodiversity”, *Technical Series*, (2009).

Cases

- Advisory Opinions and Orders, Responsibilities and Obligations of States Sponsoring Persons and Entities with Respect to Activities in the Area (Request for Advisory Opinion Submitted to the Seabed Disputes Chamber), International Tribunal for The Law of the Sea, 2011.
- Case concerning Land Reclamation by Singapore in and Around the Straits of Johor (Malaysia v. Singapore), International Tribunal for the Law of the Sea, 2003.
- The MOX Plant Case (Ireland v. United Kingdom), International Tribunal for the Law of the Sea, Provisional Measures, 2002.
- Pulp Mills on the River Uruguay (Argentina v. Uruguay), International Court of Justice, 2010.

Documents

- Convention on Biological Diversity (adopted 5 June 1992, entered into force 29 December 1993).
- Kyoto Protocol to the United Nations Framework Convention on Climate Change, 1997.
- Paris Agreement, United Nations, 2015.
- The United Convention on the Law of Sea 1982.
- United Nations Framework Convention on Climate Change, 1992.
- United Nations, A/RES/64/71, General Assembly, 12 March 2010, Preamble.
- Vienna Convention on the Law of Treaties 1969.

استناد به این مقاله: حبیبی، همایون، راعی دهقی، هاجر، (۱۴۰۰)، تعهدات بین‌المللی کشورهای منتشرکننده گازهای گلخانه‌ای از منظر کنوانسیون ۱۹۸۲ حقوق دریاها، پژوهش حقوق عمومی ۲۳(۷۲)، ۳۹-۶۹.

doi: 10.22054/qjpl.2021.49411.2312